

ابیات سرگردان

زهرا کریم‌زاده شوشتری نژاد*

مقدمه

در کتاب مرصاد العباد، باب دوم، فصل سوم، به این دو بیت برمی‌خوریم:

نظارِ گیانِ رویِ خوبت
در آینه نقشِ خویش بینند
چون درنگرند از کران‌ها

زین است تفاوت نشان‌ها (نجم رازی، ۱۳۸۰: ۵۷)

در لمعات عراقی، لمعه پنجم، نیز همین ابیات با تغییراتی در بیت دوم تکرار شده است.

نظارِ گیانِ رویِ خوبت
در روی تو رویِ خویش بینند
چون درنگرند از کران‌ها

زینجاست تفاوت نشان‌ها (عراقی، ۱۳۸۲: ۴۶۸)

آقای دکتر محمدامین ریاحی، مصحح کتاب مرصاد العباد، در توضیحات و تعلیقات (ص ۵۷۶) این ابیات را از اشعار انوری می‌داند. همچنین خانم دکتر نسرین محتشم، مصحح کتب عراقی، این ابیات را از غزلیات انوری برشمرده است.

در دیوان انوری، غزلی ده‌بیتی وجود دارد که مطلع آن، این است: ای غارت عشق تو جهان‌ها

بر باد غم تو خان و مان‌ها (انوری، ۱۳۶۴: ۷۶۹)

که ابیات ۵ و ۶ آن دقیقاً مطابقت دارد با آنچه در بالا از فخرالدین عراقی ذکر گردید؛ اما آنچه جالب توجه است، اینکه در دیوان

چکیده

گاهی اتفاق می‌افتد که در مطالعه اثری، به جملات و ابیاتی برمی‌خوریم که قبلاً آن را در کتاب دیگری مشاهده کرده‌ایم. بر اساس تاریخ تألیف کتاب‌ها و قرن زندگی مؤلفین یا شعراء، می‌توان دریافت که این جمله‌ها یا ابیات تکراری، در اصل متعلق به چه کسی است و هدف شخص دیگر، اقتباس، تقلید یا سرقت بوده یا این عبارات و ابیات بر اساس اشتباه ناسخان به اثر دیگری راه یافته است؛ یعنی مؤلف آن اثر که قدیم‌تر است، صاحب اصلی آن جملات یا ابیات است. اما بندرت پیش می‌آید که ابیاتی یکسان در دو دیوان هم‌عصر وجود داشته باشد، یعنی آن شعرا در سال‌هایی نزدیک به هم زندگی کرده باشند، نیز سبک شعری آنها بسیار به هم نزدیک باشد؛ در آن صورت، ابهامی پیش می‌آید که خواننده را سردرگم می‌کند.

نمونه‌ای که در این تحقیق بررسی شده، از همین دسته است؛ دو بیت در دو دیوان خاقانی و انوری مشاهده می‌شود که با توجه به هم‌قرن بودن آنها، ثبت این ابیات در دیوان هر دو، عجیب به نظر می‌رسد. پس این ابیات از کیست؟

واژه‌های کلیدی: ابیات سرگردان، اقتباس، تقلید، سرقت، اشتباه ناسخان، خاقانی، انوری.

خاقانی نیز این ابیات در قسمت قطعات ضبط گردیده است:

نظاره‌کنان به روی خوبت

در روی تو روی خویش بیند

چون درنگرند از کران‌ها

این است تفاوت نشان‌ها (خاقانی، ۱۳۷۸: ۸۱۷)

گفتنی است که کلمه «نظاره‌کنان» به جای «نظارگیان» در دو نسخه بدل دیوان انوری نیز ذکر شده است (ر.ک: انوری، ۱۳۶۴: ذیل صفحه ۷۶۹). با توجه به اینکه انوری و خاقانی شاعران قرن ششم بوده‌اند و در سال‌هایی نزدیک به هم می‌زیسته‌اند، پس این ابیات متعلق به کدام یک از آنهاست؟

شاعران همعصر

انوری و خاقانی، هر دو، شاعران قرن ششم هجری هستند. درباره تاریخ ولادت و فوت خاقانی چنین نوشته‌اند: «تولدش در سال ۵۰۰ و وفاتش، حدود ۵۹۰ هـ ق و به نوشته بعضی، حدود سال ۵۹۸ واقع شده است» (همای، ۱۳۵۷: ۱۶۸). همچنین مرحوم عباس اقبال آشتیانی، در مقدمه حدیق السحر نوشته‌اند: «خود خاقانی سال تولد خود را صریحاً می‌گوید و اشارات تاریخی بسیار در کلیات او و تحفه العراقرین هست که تاریخ ولادت او را در همان حدود ۵۰۰ قرار می‌دهد» (رشیدالدین وطواط، ۱۳۶۲: لو).

غفار کندلی هریسچی سال تولد او را ۵۲۰ و وفاتش را ۵۹۵ هـ ق می‌داند. (ر.ک: کندلی هریسچی، ۱۳۷۴: ۶۹-۸۷). دکتر ضیاءالدین سجّادی درباره تاریخ تولد خاقانی چنین نوشته است: «سال ولادت خاقانی به تحقیق معلوم نیست؛ اما در اشعارش، چندین جا از سال ۵۰۰ هجرت سخن رانده و گفته است:

از لفظ من، که پانصد هجرت چو من نژاد

ماند هزار سال دگر مخبر سخاش

و از روی همین ابیات، بعضی سال تولد او را ۵۰۰ هجری دانسته‌اند. خانیکوف نیز همین سال را سال ولادت او به شمار می‌آورد [...] در تذکره‌های معروف، به سال تولد او اشاره‌ای نشده است. بسیاری دیگر از محققین، سال ۵۲۰ را سال تولد او می‌دانند و مخصوصاً استاد ارجمند آقای فروزانفر [...] «(سجّادی، ۱۳۸۱: ده).

دلایلی نیز از جانب استاد فروزانفر بیان شده است که بر اساس آنها، به نظر می‌رسد تاریخ ۵۲۰ اصحّ اقوال باشد. در صفحه شناسنامه کتاب‌های شاعر صبح، گزیده اشعار خاقانی و فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی، همچنین در صفحه شناسنامه دیوان خاقانی همین سال ۵۲۰ سال ولادت خاقانی ذکر گردیده است؛ ضمن اینکه دکتر رضازاده شفق نیز سال ۵۲۰ را سال تولد خاقانی دانسته است (ر.ک: رضازاده شفق، ۱۳۶۹: ۱۹۶).

تاریخ وفات خاقانی^۲ به گفته دکتر سجّادی در مقدمه دیوان خاقانی (ص پنجاه و یک)، همچنین در کوی سرخاب و مقبره الشعرا (ص ۴۸)،

سال ۵۹۵ هـ ق آمده؛ نیز در کتاب تاریخ ادبیات ایران، از دکتر

رضازاده شفق (ص ۲۰۰) همین سال ذکر شده است.^۳

درباره تاریخ ولادت انوری، در تذکره‌ها، تاریخ ادبیات‌ها و لغتنامه‌ها اشاره‌ای مشاهده نکردم؛^۴ اما درباره تاریخ وفات او اقوال مختلفی ذکر شده است: «وفات اوحدالدین انوری در بلخ بوده، در شهر سنه سبع و اربعین و خمسمائت و قبر او در بلخ است» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۶۶: ۶۹). همچنین «در تاریخ وفات انوری اختلاف فراوان است. آنچه به صحت نزدیک‌تر است، این است که وی در حدود ۵۸۷ وفات یافت» (رضازاده شفق، ۱۳۶۹: ۱۷۵). نیز «در تاریخ رحلت انوری نه قول مختلف ذکر کرده‌اند: سال ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۶۰، ۵۷۵، ۵۸۰، ۵۸۵، ۵۸۷ و ۵۹۷ هـ ق. شش روایت که پیش از سال ۵۸۲ است، قطعاً درست نیست؛ زیرا انوری درباره قران سبعة سیاره، که در سال ۵۸۲ روی داده است، حکمی کرده که معروف است و در بسیاری از کتاب‌ها بدان اشاره کرده‌اند. برای تفصیل بیشتر و شرح احوال وی، به مقدمه ج ۲ دیوان انوری، چ مدرّس رضوی مراجعه شود».

هر چند تاریخ ولادت انوری ثبت نگردیده، اما آنچه مسلم است، این که هر دو، شاعر نیمه دوم قرن ششم هستند: «اوحدالدین محمد بن محمد یا اوحدالدین علی بن اسحق انوری ایبوردی، از گویندگان نامبردار نیمه دوم قرن ششم هجری است» (صفا، ۱۳۷۳: ۶۵۶).

شهرهای اقامت

خاقانی، شاعر بلندآوازه شهر شروان است، که درباره این شهر چنین نوشته‌اند: «ولایتی در جنوب شرقی قفقاز، در حوزه علیای نهر ارس و رود کورا، و آن در قدیم از نواحی باب‌الابواب (در بند) محسوب می‌شد. شروانشاهان بدانجا منسوبند» (معین، ۱۳۷۹).

ایبورد نیز شهری است که انوری در یکی از قُرّای آن دیده به جهان گشود: «شهری بود در خاوران، در شمال خراسان کنونی، نزدیک به درّه گز» (همان). دکتر یاحقی درباره محل ولادت انوری چنین نوشته‌اند: «این پیامبر ستایشگران، که نامش اوحدالدین علی و نام پدرش وحیدالدین محمد بود، در قریه بدنه، نزدیک مهنه یا مینه (زادگاه ابوسعید ابوالخیر)، واقع در خاک خاوران، میان توس و سرخس زاده شد و به سبب انتسابش به سرزمین خاوران، در آغاز شاعری "خاوری" تخلص می‌کرد» (یاحقی، ۱۳۷۵: ۱۰۹).

از مقایسه دو شهر ایبورد و شروان متوجه می‌شویم که فاصله این دو شهر بسیار بعید بوده؛ یعنی شروان در شمال دریای خزر، و ایبورد در خراسان کنونی و در جنوب دریای خزر بوده است. پس چگونه این دو بیت توانسته در هر دو دیوان راه یابد؟

سرقت یا اشتباه؟

با توجه به شناختی که از دکتر ضیاءالدین سجّادی و محمدتقی مدرّس رضوی داریم احتمال عدم دقت در تصحیح آنها تقریباً امری

پذیرفتنی است؛ پس چند احتمال دیگر به ذهن متبادر می‌شود:

۱. سرقت: که این احتمال، بسیار بعید است؛ زیرا هر دو، شاعر طراز اولی محسوب می‌شده‌اند و سرقت، آن هم تنها دو بیت، دور از ذهن به نظر می‌رسد.
۲. احتمال می‌رود که یکی از دو شاعر، این دو بیت را به دیگری هدیه کرده باشد.
۳. احتمال سوم این است که یکی از دو شاعر، این دو بیت را پسندیده و در میان اشعارش قرار داده تا بعداً شبیه به آن را بسراید؛ اما کسانی که به جمع‌آوری دیوان آنها پرداخته‌اند، به اشتباه، آنچه در حاشیه کتاب توسط شاعر نوشته شده یا در میان اشعار قرار داشته است را از خود شاعر دانسته و جزو دیوان او ضبط کرده‌اند.
۴. احتمال چهارم اینکه، در جمع‌آوری دیوان این دو شاعر اشتباهی صورت نگرفته و کاتبان هم، چون خود شاعر، ابیات را عیناً در حاشیه دیوان نوشته‌اند، اما ناسخان بعدی مرتکب چنین اشتباهی شده‌اند.

قضایوت درباره انتساب شعر به یکی از دو شاعر، مشکل به نظر می‌رسد؛ هرچند احتمال اینکه دو بیت مذکور متعلق به انوری باشد، بیشتر است؛ زیرا این دو بیت جزو غزلی کامل از او ضبط شده است؛ یعنی ابیات دیگری پس و پیش آن وجود دارد؛ اما این احتمال را هم نمی‌توان نادیده گرفت که انوری این دو بیت را از خاقانی گرفته و بر اساس آن شعری سروده، یعنی غزلی کامل را پدید آورده است. هرچند احتمال اول بیشتر به صحت نزدیک است؛ زیرا سبک و سیاق ابیات نیز به زبان انوری نزدیک‌تری دارد تا به خاقانی.

نتیجه

بر اساس نظریات مختلفی که درباره ابیات سرگردان در دو دیوان خاقانی و انوری - که شاعرانی هم‌عصر هستند - ارائه شده، به نظر می‌رسد احتمال انتساب این دو بیت به انوری بیشتر باشد تا به شاعر شروان؛ زیرا باز هم چنین اشتباهاتی در دیوان خاقانی صورت گرفته است. نسبت این ابیات به انوری، درست همان نظری است که دکتر محمدامین ریاحی در حواشی مرصاد العباد و خانم دکتر نسرين محتشم در حواشی کلیات عراقی ذکر کرده‌اند. هرچند هیچ کدام از این دو بزرگوار، این ابیات را در دیوان خاقانی ملاحظه نکرده بودند؛ زیرا در حاشیه یا تعلیقات آنها اشاره‌ای به دیوان خاقانی ملاحظه نمی‌شود.

پی‌نوشت

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

۱. در نسخه کتابخانه فاتح و کتابخانه ایاصوفیه، «در آینه روی»، آمده: همچنین در نسخه کتابخانه ملی وین در انتریش نیز، «در روی تو روی» ذکر گردیده است.

۲. «بعضی وفات او را سنه ۵۳۲ و عده‌ای به سال ۵۸۲ یا ۵۸۱ نوشته‌اند و این هر سه، باطل است؛ زیرا ... خاقانی سال‌ها پس از سال ۵۳۸ زنده بود و مطابق نقل جوینی، زندگانی او تا این سنه مسلم است و بعضی سال وفات او را به سال ۵۹۵ می‌دانند و این اصح اقوال است» (فروزانفر، ۱۳۵۰: ۶۴۱-۶۴۲)

۳. دولتشاه سمرقندی تاریخ وفات خاقانی را ۵۹۲ می‌داند: «وفات افضل‌الدین خاقانی در شهر تبریز بوده، در سنه اثنین و ثمانین و خمسمائه [۵۹۲] و در سرخاب تبریز، آسوده است...» (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۶۶: ۶۹).

۴. از جمله در لغتنامه دهخدا تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی، تاریخ ادبیات در ایران و گنج سخن از دکتر صفا، سخن و سخنوران از استاد فروزانفر، فرهنگ فارسی از دکتر معین، همچنین مقدمه دیوان انوری، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی.

۵. دکتر سجادی برخی از این اشعار که ملحق به دیوان خاقانی شده است را شناسایی کرده‌اند و در فرهنگ لغات و ترکیبات دیوان خاقانی گاهی یادآوری نموده‌اند؛ ضبط اشتباه اشعار، در دیوان شعری دیگر نیز وجود داشته است.

کتابنامه

- انوری، اوحدالدین، ۱۳۶۴، دیوان انوری، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، ج ۲، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل، ۱۳۷۸، دیوان خاقانی، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، چاپ ششم، تهران: زوار.
- دولتشاه سمرقندی، ۱۳۶۶، تذکره الشعراء، چاپ دوم، تهران: پدیده خاور.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغتنامه، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران، ۱۴ مجلد.
- رشیدالدین وطواط، ۱۳۶۲، حدائق السحر فی دقائق الشعر، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه سنایی و طهوری.
- رضازاده شفق، صادق، ۱۳۶۹، تاریخ ادبیات ایران، چاپ اول، تهران: آهنگ.
- سجادی، ضیاء‌الدین، ۱۳۳۶، کوی سرخاب و مقبره الشعراء، تهران: انجمن آثار ملی.
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۷۳، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، چاپ سیزدهم، تهران: فردوس.
- عراقی، ابراهیم بن بزرگمهر، ۱۳۸۲، کلیات، چاپ دوم، تهران: زوار.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، ۱۳۵۰، سخن و سخنوران، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- کندلی هریسچی، غفار، ۱۳۷۴، خاقانی شروانی: حیات، زمان و محیط او، ترجمه میرهدایت حساری، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- معین، محمد، ۱۳۷۹، فرهنگ فارسی، ۶ مجلد، چاپ پانزدهم، تهران: امیرکبیر.
- نجم رازی، ۱۳۸۰، مرصاد العباد تصحیح محمدامین ریاحی، چاپ نهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- همایی، جلال‌الدین، ۱۳۵۷، تاریخ ادبیات ایران، به کوشش ماهدخت بانو همایی، چاپ اول، تهران: مؤسسه نشر هما.
- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۷۵، تاریخ ادبیات ایران، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.